

الغدیر چه می گوید؟

www.ketabo.ir

(چکیده کتاب «الغدیر» علامه امینی)

سرشناسه مجلی، حسن، ۱۳۲۶
 عنوان الغدير چه می گوید؟ (چکیده کتاب الغدير علامه امینی)
 تکرار نام پدیدآورنده (تلخیص) حسن مجلی
 مشخصات نشر قم، کتاب بختیاری، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری ۴۴۰ ص.

ISBN ۹۷۶-۹۶۴-۲۵۰۷-۱۰-۸

وضعیت فهرست نویسی فیبا،
 یادداشت اثر حاضر خلاصه کتاب الغدير فی الکتاب و السنه علامه امینی می باشد
 یادداشت کتابنامه به صورت زیر نویس،
 موضوع غدیر خم
 موضوع علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - اثبات خلافت
 شناسه الزوده امینی، عبدالحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۴۹. الغدير فی الکتاب و السنه. برگزیده
 رقم کنفر ۴۲۱۶، ۱۳۹۳ غ ۵۴/۵۴/۲۲۳ BP
 شماره ثبت ۲۹۷/۴۵۲
 شماره مرکز ۳۲۳۶۵۱۹

انتشارات کتاب بختیاری

- نام کتاب: الغدير چه می گوید؟ (چکیده کتاب الغدير علامه امینی)
- مؤلف: حسن مجلی
- تاریخ و نوبت چاپ: ۱۳۹۳، اول
- چاپ: ولی عصر علیه السلام
- قیراز: ۱۰۰۰
- قیمت: ۱۸۰۰۰

مرکز بخش

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه همکف، پلاک ۹۸
 تلفن: ۳۷۸۳۳۳۰۹ همراه: ۰۹۱۲۵۵۱۵۲۳۱

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي محمد و آله الطاهرين

پیش گفتار

با درود بر روح پر فتوح مجاهد خستگی ناپذیر راه حقّ علامه امینی، و ارج گذاشتن به اثر ارزشمند و گرانسنگ او کتاب «الغدیر» و تشکر از زحمات مترجمین و ناشرین محترم آن. در تألیف حاضر (الغدیر چه می گوید؟) کوشش به عمل آمده تا تمام مطالب و موضوعات، که در دوره بیست و دو جلدی ترجمه فارسی الغدیر وجود دارد به طور فشرده و به اختصار، و با ذکر جای دقیق هر مطلب (جلد و شماره صفحات آن)، تقدیم علاقه مندان گردد. بنابراین:

۱. می توان از این کتاب به عنوان یک راسم و فهرست کامل موضوعی استفاده نمود، و با مراجعه به آن دریافت که علامه امینی درباره چه مطالبی سخن گفته و برای هر یک دقیقاً چند صفحه اختصاص داده است، و در صورت نیاز به متن کامل آن مطلب به کدام جلد و صفحه دوره بیست و دو جلدی الغدیر باید رجوع کرد.

۲. از آنجا که گروه های مخالف - که عمدتاً در رأس قدرت و حکومت و همه گونه امکانات تبلیغی قرار داشته اند - در طی قرن ها اتهامات گوناگونی به شیعیان و عقاید آن ها بسته و آن را در همه جا منتشر کرده اند، و حقایق مربوط به حوادث پس از رحلت رسول خدا (ص) و مسئله جانشینی برای آن حضرت را دگرگونه جلوه داده اند، و بدین وسیله در طول تاریخ اسلام عامل تفرقه و جدال در بین امت مسلمان و ظلم و خشونت و اهانت و حتی تکفیر و کشتن پیروان اهل بیت معصوم پیامبر (ص) بوده اند؛ کتاب حاضر - که چکیده مطالب بسیار مستدل و مستند و تحقیقی «الغدیر»

برای پاسخ به تمام این غوغا سالاری ها و خلاف گویی ها است- به خاطر حجم کم خود می تواند مورد استفاده علاقه مندانی قرار گیرد که دسترسی به دوره کامل الغدير، و یا وقت و فرصت کافی برای مطالعه بیست و دو جلد کتاب مذکور را ندارند.

فهرست مطالب

جلد اول الغدير (ص ۱۷ - ۳۰): به معرفی کتاب‌هایی که درباره حدیث غدیر خم تألیف شده، تاریخ نگاران، دانشمندان بزرگ علم حدیث، مفسرین بنام و علمای علم کلام که به واقعه غدیر خم اشاره کرده‌اند می‌پردازد و ضمن بیان ماجرای غدیر خم، نام ۱۱۰ نفر از صحابه، ۸۴ نفر از تابعین و ۳۶۰ نفر از علمای قرن دوم تا چهاردهم هجری که حدیث غدیر خم را روایت کرده‌اند ذکر می‌کند.

جلد دوم (ص ۳۱ - ۴۸): ابتدا مناشده و احتجاج‌های متعددی که توسط امیرالمؤمنین علی (ع)، حضرت اطمه (س)، حضرت امام حسن و امام حسین (ع) و... درباره حدیث شریف غدیر خم شده و حتی دشمنان نتوانسته‌اند آن را انکار کنند و به ناچار بدان تن داده و اعتراف کرده‌اند، بیان می‌گردد. سپس آیات قرآن درباره غدیر توضیح داده می‌شود و آنگاه با اشاره به ۶۰ روایت مختلف از منابع اهل سنت، بیعت مردم را با علی (ع) در روز عید غدیر خم و به دستور پیامبر (ص) ثابت می‌کند، و با بحث‌های مفصل و مستند دیگر هرگونه شبهه‌ای را در مورد آن برطرف می‌نماید.

جلد سوم (ص ۴۹ - ۵۵): شامل غدیریه‌ها (اشعاری که در آن‌ها به واقعه غدیر خم اشاره شده است) در قرن اول هجری و معرفی کسانی که این شعرها را سروده‌اند و مطالب تاریخی در این زمینه می‌باشد.

جلد چهارم (ص ۵۶ - ۶۱): بحث درباره غدیریه سرایان قرن دوم و بخشی از قرن سوم هجری، همانند جلد گذشته، است.

جلد پنجم (ص ۶۲ - ۶۸): ادامه سخن در مورد شعرای غدیر قرن سوم و نقد تعدادی از کتابهای اهل سنت می‌باشد.

جلد ششم (ص ۶۹ - ۷۴): ادامه این نقدها و تعدادی غدیریه دیگر است.

جلد هفتم (ص ۷۵-۷۹): شعراء غدیر در قرن چهارم و پنجم و اوائل قرن ششم هجری است.

جلد هشتم (ص ۸۰-۸۳): ادامه غدیریه های قرن پنجم و سپس قرن ششم می باشد.
جلد نهم (ص ۸۴-۹۵): دنباله غدیریه های قرن ششم، و پاسخ به برخی از شبهات ابن تیمیه، مانند: علم امامان شیعه به غیب، دفن کردن اجساد در مشاهد مشرفه، زیارت مشاهد مشرفه و آداب زیارت قبور، می باشد.

جلد دهم (ص ۹۶-۱۱۹): پژوهشی است در مورد حدیث و حدیث سازان در اهل سنت و احادیث جعلی، ساعتگی و بررسی و نقد آن و سپس ادامه غدیریه های قرن ششم و سپس قرن هفتم.

جلد یازدهم (ص ۱۲۰-۱۳۸): درباره شعراء غدیر در قرن هشتم می باشد، و سپس خلیفه دوم را با استناد به منابع اهل سنت به نقد می کشد.
جلد دوازدهم (ص ۱۳۹-۱۵۲): ادامه نقد خلیفه دوم و اهل بیت، نادانی او نسبت به حکم خدا و سنت رسول خدا (ص).

جلد سیزدهم (ص ۱۵۳-۱۶۲): غدیریه سرایان قرن نهم و سپس بحث در مورد غلو و گزافه گویی های فراوان درباره خلیفه اول و به نقد کشیدن او.

جلد چهاردهم (ص ۱۶۳-۲۰۱): ادامه نقد خلیفه اول به طور مفصل و مستدل و سپس ذکر فضائل جناب ابوطالب پدر گرامی علی (ع) و ایمان راستین او به رسول خدا (ص).

جلد پانزدهم (ص ۲۰۲-۲۲۳): ادامه سخن از فضائل جناب ابوطالب و نیز نقد خلیفه اول و بررسی گزاف گویی ها درباره خلیفه دوم و سوم و نقد آنان.

جلد شانزدهم (ص ۲۲۴-۲۴۸): ادامه نقد خلیفه سوّم و نقد برخی از منابع تاریخی اهل سنت از جمله تاریخ طبری است.

جلد هفدهم (ص ۲۴۹-۲۹۹): کارهای ناروای خلیفه سوّم همچنان مورد بحث قرار می‌گیرد.

جلد هیجدهم (ص ۳۰۰-۳۱۹): زندگینامه خلیفه سوّم ادامه می‌یابد و رفتار و اعمال او در زمان خلافتش بررسی و نقد می‌گردد و چگونگی قیام صحابه بر علیه او و ماجرای کشتن وی به دست اصحاب رسول خدا (ص) بازگو می‌گردد و برخی منابع اهل سنت که کوشش نموده‌اند اعمال خلیفه را توجیه کنند مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

جلد نوزدهم (ص ۳۲۰-۳۴۶): روایاتی که در تمجید خلفای سه گانه آورده‌اند مورد تحقیق و بررسی قرار داده می‌شود و سپس پرونده اعمال ناشایست معاویه و تبه‌کاری‌های او مورد بحث قرار می‌گیرد.

جلد بیستم (ص ۳۴۷-۳۸۶): ادامه سخن در مورد بیعت‌های معاویه است و کارهای زشت او.

جلد بیست و یکم (ص ۳۸۷-۴۳۲): جنایات معاویه همچنان مورد بررسی قرار می‌گیرد و روایات ساختگی که برای پوشاندن چهره زشت معاویه منتشر کرده‌اند ارزیابی می‌شود و داستان‌های مضحک و خرافی درباره کرامات عده‌ای از چهره‌های طرفدار مکتب خلافت بازگو می‌گردد.

جلد بیست و دوم (ص ۴۳۳-۴۳۷): ادامه بحث در مورد شاعران غدیر در قرن نهم، دهم و یازدهم است.

مقدمه

تقدیر چنان بود که آخرین و بزرگترین پیامبر آسمانی در یکی از منحنی‌ترین و فاسدترین سرزمین‌های آن روزگار، یعنی در عربستان، ظهور کند و از همان جا رسالت خود را به جهانیان ابلاغ نماید. و درست از همین جا بود که فتنه‌های شوم به پاخاست و یورش‌های خونین بسیاری برای از بین بردن این پیامبر و جلوگیری از نشر آیین او به وسیله اعراب مشرک جاهلی، که با تعصب بسیار از عقاید پدران و اجداد خود جانبداری می‌کردند، به وقوع پیوست. و چه رنج‌ها و مصیبت‌های گران که بر وجود نازنین آن حضرت فرود آمد، رنج‌هایی که کوه‌های گران را از جای برمی‌کند. اما نه تنها این مشکلات سنگین ذره‌ای در استواری و ثبات قدم و سعی و کوشش پیامبری که از همه طرف مورد آزار و تهدید قرار گرفته بود خدشه‌ای وارد نیاورد، بلکه همچنان با تأییدات خداوندی فعالیت خود را برای هدایت خلق گسترش می‌داد و تمام خطرات و سختی‌ها را در راه معبود یکتای خویش و ادای رسالتش به جان می‌خرید. و خداوندش نیز او را با جان و بازی خالصانه شمشیر بران خود، اسدالله الغالب علی بن ابی طالب، بر دشمنان پیروز می‌کرد و آسیب‌های مشرکین به خون تشنه اش را از ساحت حضرتش دور می‌ساخت، تا آنکه سرانجام این زحمات به ثمر نشست و مردم عربستان، عده‌ای با میل و رغبت، دسته‌ای به طمع پست و ریاست به او گرویدند و گروهی نیز به ناچار و از ترس جان تسلیم گردیدند، و به اصطلاح در زمره اصحاب درآمدند، بدون آنکه در واقع ایمان آورده باشند. همچنان که آیات فراوانی که در مذمت شدید منافقین نازل گردیده دلیلی است روشن بر نابکاری این قوم و خطرهایی که از ناحیه آنان متوجه مسلمانان بوده است.

بهار پیروزی اسلام بر کفر سپری نشده بود که پیامبر اکرم (ص) دعوت حق را اجابت نمود و بلافاصله پس از رحلت آن بزرگوار سکوت مصلحتی منافقان برای یافتن فرصت شکسته شد. آتش کینه‌های جاهلی شعله برکشید و به سرعت همه جا را درنوردید. آشوب‌ها چون شب تاریک در پس هم به مردمی تازه مسلمان که هنوز از زمان جاهلیت فاصله‌ای چندان نداشتند هجوم آورد. اگر پیشتر ابوسفیان‌ها بر علیه پیامبر خدا لشکرها بسیج کرده و آن همه جنایت کردند، حالا معاویه ابن ابی سفیان‌ها همان پرچم ننگین را بر دوش گرفته و با ایجاد توطئه و بلوا در مقابل وصی و جانشین بر حق پیامبر، خون هزاران مسلمان را بر خاک ریختند و آنقدر توطئه کردند تا توانستند دوباره اعراب را در بوغ حکومت خود کشیده و همچون پدران مشرک خویش - اما این بار با لباس مسلمانی و بدک کشیدن عنوان خلیفه پیامبر - باز هم بر کرسی ریاست بنشینند، و تا آنجا که توان دید این آیین پاک را - که پدران بت پرستان نتوانسته بودند ریشه کن کنند - حداقل ذکر کرده ساخته و در جهت منافع خود تحریف کنند.

و این آغاز ماجرای بود بس تلخ و دهشتناک، که از یک طرف با به شهادت رسانیدن جانشینان برحق پیامبرگرامی اسلام (ص) انتقام خون پدران مشرک و ستمگر خود را که در جنگ با رسول خدا (ص) به دست علی (ع) به هلاکت رسیده بودند می‌گرفتند، و از طرف دیگر با جعل ده‌ها هزار حدیث دروغین و انتشار آن توسط راویان پول پرست و جاه‌طلب درباری همه گونه تلاش کردند تا تیشه به ریشه این آیین آسمانی زده و بدین وسیله عقاید بسیاری از مسلمانان را به انحراف کشند.

این جریان شوم همچنان توسط قدرت‌های مسلط طرفدار بنی‌امیه - و سپس بنی‌عباس نیز - در طول تاریخ تداوم یافت. زیرا هرگونه مخالفت اقلیت شیعه به

شدت سرکوب می‌شد، و اکثریت اهل سنت هم فرمانروایان خود را- هر چند ظالم و فاسق بودند- واجب الطاعه می‌دانستند.

«حافظ محی الدین یحیی نووی شافعی (م- ۶۷۶) عالم و محدث معروف اهل سنت، در کتاب شرح «صحیح مسلم» می‌گوید: همه اهل سنت از فقها و محدثین و متکلمین بر این عقیده‌اند که خلیفه و حاکم به خاطر فسق و ظلم و تعطیل احکام خدا عزل و خلع نمی‌شود، و خروج و قیام علیه او نیز جایز نیست، فقط باید او را پند داد»^۱.

و نیز: «قاضی بدرالدین ابن جماعه، مؤلف «تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام» می‌گوید: اگر شخص سلطان به زور قدرت را به دست آورده است، حتی قوانین شریعت را نداند و ظالم و فاسق و فاجر باشد، باید از او اطاعت کرد»^۲.

و این است که سید امیرعلی [از متفکران شیعی هند] «دریغ می‌خورد که نظریات مجتهدان و پیشوایان مذهب سنی جای تعالیم پیامبر را گرفته است. زیرا اینان مانند بسیاری از اولیای کلیسای مسیح، چاکر شهریاران و ستمگران بوده‌اند. و از این رو، چه بسا احکامی بر ساختند و احادیثی جعل کردند و تفسیرهایی بر قرآن نوشتند که هیچ پیوندی با روح اسلام نداشت»^۳.

از طرفی نویسندگان بی‌انصاف و مغرض و قلم‌های مسموم بسیاری در بین

۱. محمدرضا حکیمی. حماسه غدیر، ص ۵۶ (از: المنهاج، در حاشیه «ارشاد الساری، شرح صحیح بخاری» ج ۳۶/۸. و این نظر عموم متکلمین و محققین بزرگ اهل سنت، نظیر باقلانی و ابوالثناء اصفهانی و... می‌باشد. رک به الغدیر، ج ۱۳۶/۷ به بعد).

۲. همان، ص ۱۳۶.

۳. همان، ص ۱۳۷.

مسلمانان پیدا شدند که چون نمی‌توانستند مستقیماً به ساحت پیامبر اسلام (ص) جسارت نمایند، نیش بیان و قلم خود را متوجه خاندان پاک و معصوم آن حضرت و پیروان و شیعیان آنان نموده و با نشر انبوه حدیث‌ها و روایت‌های جعلی و دروغین در ستایش دشمنان اهل بیت (ع)، و تهمت‌های زشت فراوان به دوستداران آن بزرگواران، راه کج معاویه‌ها را تداوم بخشیدند. کار بدانجا رسید که بالأخره در جهان تسنن هم کسی پیدا شد که در این مورد- هرچند سربسته- دست به افشاگری بزند.

«شیخ محمود شلتوت، مفتی مصر و رئیس اسبق «جامع الازهر» که خود با نوع مؤلفان ملل و نحل هم مذهب است» چنین می‌گوید: بیشتر کسانی که درباره فرق و مذاهب اسلامی کتاب نوشته‌اند، تحت تأثیر روح پلید تعصب بوده‌اند. از این رو تألیفاتشان همواره آتش دشمنی و کینه را در میان فرزندان یک امت دامن زده است. هر یک از این ملل و نحل نویسان، تنها و تنها از یک زاویه دید به مخالفان خویش می‌نگریسته‌اند: رأی مذهب مخالف را سخیف شمردن و عقیدۀ طرف مقابل را به سفاهت منسوب داشتن، آن هم با اسلوبی که شرّ و زیانش بسی بیشتر است تا خیر و سودش. از این جهت است که هر کس که اهل انصاف باشد، نباید از روی این کتابها، درباره مذاهب اسلامی اظهار نظر کند. بلکه درباره هر فرقه‌ای به کتابها و مآخذ آن فرقه رجوع کند، تا بدین وسیله به حق نزدیک شود و از خطا دور ماند.^۱

اکنون اگر بخواهیم بررسی کنیم که علت این همه دشمنی و کینه نسبت به شیعیان چه بوده و سپس آراء و عقاید شیعیان و نظرات مخالفین آنها را با هم بسنجیم در

۱. یاد نامه علامه امینی: مقاله «۴۰۰ کتاب در شناخت شیعه» از محمد رضا حکیمی، ص ۵۰۰.

خواهیم یافت که- به طور خلاصه- شیعیان همچنان خود را فقط ملزم به سنت رسول خدا (ص) و پیروی اهل بیت معصوم آن حضرت می دانسته اند، و به تغییرات و تبدیلات و تحریفاتی که دیگران بعد از پیامبر اکرم (ص) در دین پدید آوردند تن در نداده و آن را نپذیرفتند، و طبق نص قرآن محبت و مودت اهل بیت (ع) را بر خود واجب دانسته و از دشمنان آنان تبری می جسته اند. و به خاطر همین ثبات عقیده به اسلام راستین، پیوسته مورد همه گونه ظلم و ستم و تهمت و افترا و دشنام و اهانت و قتل و غارت و کشتار بی رحمانه قرار گرفته اند، که صفحات تاریخ و کتابهای بسیاری که بر علیه شیعیان تاکنون نوشته شده است بهترین اسناد بر این مدعا هستند. درحالی که شیعیان نه تنها هیچگاه مقابله به مثل نکردند، بلکه برای جلوگیری از هرگونه فتنه و آشوب، و حفظ وحدت مسلمانان، مظلومانه بر هرگونه ظلم و جنایتی صبر کردند (همانطور که در عصر ما نیز در پاکستان، افغانستان و عراق و... همه شاهد آن هستند) و فقط برای روشن کردن حقایق و رد تهمتها و افتراها دست به نگارش کتابهای تحقیقی فراوانی زده اند که همه مستند به منابع معتبر خود مخالفین بوده است، تا راه هرگونه بهانه ای را برای تفرقه افکنان و آشوب طلبان ببرندند و بر همه مخالفین اتمام حجت نمایند. و حالا سؤال اینست که: آیا برای جلوگیری از خونریزی و ستم و اختلاف کلمه و دفاع از حقیقت و حفظ وحدت مسلمانان راهی خردمندانه تر از آنچه دانشمندان شیعه بدان دست یازیده اند وجود داشته است؟ و گرچه هنوز هم منکران حق و حقیقت جواب استدلال را با گلوله و خنجر و با جلیقه انفجاری و کشتار بی رحمانه بی گناهان می دهند، اما بهر حال وجدانهای بیدار، و آنان که انصاف بر تعصباتشان فزونی دارد به سادگی می توانند در این میان داوری کرده و حق را از باطل تمیز دهند.

به همین سبب است که کتابهایی چون «عبقات الانوار» میرحامد حسین هندی، «المراجعات» سید شرف‌الدین عاملی، «الغدير» علامه امینی، «شب‌های پیشاور» سلطان الواعظین شیرازی و... با استدلال و استناد به خود کتابهای اهل سنت نوشته می‌شود.

«علامه امینی به وحدت اسلامی معتقد بود و «الغدير» را برای همین نوشت. نوشت تا شیعه را درست بشناساند و در مقیاس جهانی تثبیت کند و بدینگونه رشته‌های استعمار را پنبه سازد و اتهاماتی را که به شیعه زده بودند بزداید و اتحاد اسلامی را با ایجاد معرفت صحیح نسبت به شیعه در سطح جهانی قوام بخشد. او «الغدير» را نوشت تا به حساب تألیفات شاه‌لانه با استعمار املا کرده، که برای تفرقه افکنی و تجزیه آفرینی نشر یافته بود، برسد و رسد»^۱.

«الغدير» دارای ویژگی‌های گوناگونی است. از جمله: کتابی است ادبی با مجموعه‌ای از اشعار بسیار عالی عربی درباره واقعه مهم و تاریخی غم‌برخیز و نیز فضائل و مصائب اهل بیت (ع) از شعرای شیعه و سنی، بیان حوادث تأثیرگذار صدر اسلام، بررسی و نقد حدیث در اسلام، بیان علل اختلاف بین شیعه و سنی، و مهم‌تر از همه ذکر فضائل و مناقب علی (ع) و سپس اثبات امامت آن حضرت با استناد به منابع فراوانی از اهل سنت، و بالاخره شناساندن چهره حقیقی مخالفان اهل بیت (ع).

در این میان، بحث‌های علامه امینی در مورد خیلی از شاعران که غدیریه آن‌ها ذکر شده بسیار مفصل است، و معمولاً شامل جزئیات زندگانی و سرگذشت نامه آنان، و گاه اشعار دیگرشان می‌شود، تا جایی که خواننده ممکن است احساس کند واقعاً

مشغول مطالعه تحقیقی است گسترده در زمینه تاریخ ادبیات عرب. و همه اینها شاید به خاطر آن باشد که وسعت اطلاعات و احاطه علمی علامه امینی در این زمینه (علاوه بر تسلط ایشان به حدیث و تاریخ و علوم اسلامی) جای هیچگونه ابهام و یا تحریفی را برای مخالفین باقی نگذارد، و روشن نماید که علاوه بر حدیث و تاریخ، ادب اسلامی نیز به طور کامل و یک صدا واقعیت غدیرخم را در طی قرن‌ها و به طور پیوسته و آشکار یادآوری کرده و تذکر داده است. تا آنانی که دنبال حقیقت هستند و تعصبات جاهلیت گوش آنان را ناشنوا و چشم‌هایشان را از دیدن واقعیات کور نموده و بر قلب‌ها، سان قفل نزده است، این حقایق را درباره رویداد بسیار مهم غدیرخم و معرفی علی (ع) به عنوان وصی و جانشین رسول خدا (ص) به دستور خداوند را- با این همه دلایل غیر قابل انکار که در کتاب الغدیر آمده است- ببینند، و جای هیچگونه عذری برای هیچ مخالفی باقی نماند و بر همه اتمام حجت شود.

علامه امینی، تألیف گرانقدر خویش «الغدیر» را در بیست جلد به زبان عربی به پایان رساند. اما افسوس که فقط یازده جلد آن تاکنون به چاپ رسیده است! این یازده جلد توسط مترجمین مختلف در بیست و دو مجلد به فارسی ترجمه گردیده، و بارها تجدید چاپ شده است. تنوع مترجمین و نابرابر بودن تسلط آن‌ها بر کار ترجمه و نگارش مطالب متأسفانه سبب نقاط ضعف بسیاری در بخشی از ترجمه‌ها شده که- شرح آن در این مختصر نمی‌گنجد. و البته چنین بی‌توجهی حق چنان کتاب ارزشمندی نبوده است. فرزند بزرگوار مؤلف در این باره می‌گوید: «متأسفانه در ترجمه فارسی بسیاری از مجلدات الغدیر (جلدهای ۵ و ۶ و ۹ تا ۲۲)، مترجمین محترم یا رعایت امانتداری را ننموده‌اند و یا دقت لازم را مبذول نداشته‌اند... گذشته

از اینکه جلد‌های یازدهم و دوازدهم بیش از حد متعارف غلط چاپی دارد و نشر فارسی آن نیز بسیار ناپخته و خام است و...»^۱

یکی دیگر از مسائلی که در این ترجمه‌ها وجود دارد آنست که چون ارجاعات زیادی در جلد‌های مختلف الغدیر به یکدیگر داده شده است، مترجمین مشخص نکرده‌اند که آیا در ترجمه، ارجاعات مذکور به جلد‌های ۱۱ گانه اصلی است، یا به ۲۲ جلد ترجمه فارسی آن‌ها. بدین سبب خواننده‌ای که بخواهد مدارک برخی از مطالب را (که به جلد‌های دیگر ارجاع شده) پیدا کند ممکن است ناچار به صرف وقت بیشتری شود.

نکته دیگر آنکه بالأخره، و پس از سال‌ها انتظار، ترجمه دوره کتاب الغدیر مورد بررسی و اصلاح و ویرایش قرار گرفت. با تغییرات زیر به چاپ رسید:

۱. ترجمه هر جلد عربی در یک جلد فارسی قرار دارد، و در نتیجه مجموع جلد‌های ترجمه شده یازده جلد می‌باشد، درحالی که چاپ‌های اولیه در ۲۲ جلد هستند.

۲. مطالبی در یک جلد و به عنوان «جلد ۱» به ابتدای «الغدیر» افزوده گردیده، که صحیح آن بود نوشته می‌شد: «جلد مقدمه». زیرا که افزوده‌ای است از طرف ناشر بر دوره الغدیر.

۱. محمد امینی نجفی، سیری در الغدیر، ص ۱۵۸-۱۵۷. (لازم به ذکر است که در این کتاب گزیده‌ای از مطالب الغدیر علامه امینی، جمعاً در ۱۷۳ صفحه، به نحو مطلوبی انتخاب و به چاپ رسیده است. به طوری که مطالعه آن می‌تواند در زمانی کوتاه خواننده را با نکات مهمی از کتاب گرانسنگ الغدیر آشنا سازد).

۳. دو جلد دیگر نیز که حاوی انواع فهرست‌ها و کتابنامه است به آخر جلد‌های الغدير اضافه شده و روی عطف این دو شماره‌های ۱۳ و ۱۴ نقش بسته است، که دو جلد مذکور نیز می‌بایست به عنوان: «پیوست‌ها» یا «فهرست‌ها و کتابنامه» نام‌گذاری می‌شد و شماره یک و دو می‌گرفت (مثلاً: پیوست «۱» و پیوست «۲»). زیرا که شماره جلد‌های ۱۳ و ۱۴ این دو کتاب ضمیمه، چه بسا خواننده را به اشتباه بیاندازد و این تصور را در او به وجود آورد که چون یازده جلد قدیمی الغدير تبدیل به چهارده جلد شده، پس به جلد دیگر از ۹ جلد چاپ نشده الغدير به چاپ رسیده است!

بهر حال، و از آنجا که سال‌های زیادی از ترجمه‌های قدیمی الغدير می‌گذرد، و بدین سبب تجدید چاپ‌های مکرر آن بسیار بیشتر از ویرایش جدید آن در دسترس است، کتاب حاضر (الغدير چه می گوید؟) از روی همان ترجمه‌های قدیمی خلاصه نویسی شده و ارجاعات ذکر شده در این کتاب (شماره جلد و صفحات) نیز مربوط به همان ۲۲ جلد ترجمه فارسی می‌باشد. هر چند اگر جوینده‌ای بخواهد متن کامل یک مطلب را- با ارجاعاتی که داده شده- از ویرایش جدید پیدا کند ممکن است نیاز به کمی صرف وقت بیشتر داشته باشد، اما با توجه به اینکه ترتیب مطالب در هر دو (چاپ قدیمی و ویرایش جدید) یکی است، می‌تواند مطلب مورد نظر خود را در ویرایش جدید نیز بیابد.